



اسلام و فرهنگ توسعه؛ درآمدی بر الگوی اسلامی فرهنگ توسعه

علیرضا رضائی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱/۱

تاریخ تایید مقاله: ۸۸/۱/۲۰

چکیده:

در باب مسئله توسعه تاکنون نظریات متعددی از جانب اندیشمندان این حوزه طرح و مورد بررسی قرار گرفته است. برخی تقلید و وارد کردن جنبه‌ها و ظواهر زندگی جوامع صنعتی را از سوی کشورهای جهان سوم مترادف با توسعه و نوسازی آنها قلمداد کرده‌اند. بعضی هم با دیدی جبرگرایانه سیر تکامل و توسعه کلیه جوامع را از ابتدا تا مرحله آخر در یک سیر خطی ترسیم نموده‌اند و معتقدند که کلیه جوامع باید این سیر خطی را طی نمایند. عده ای هم با دیدی سلبی برآنند که نظام اقتصادی سرمایه‌داری به طور منظمی عمل می‌نماید که موجب عدم توسعه و اختلال اقتصادهای جهان سوم می‌شود. به این جهت نحوه عملکرد اقتصاد بین‌الملل طبعاً به ضرر آن دسته از کشورهایی است که سرمایه‌داری نیستند و به طور نابرابری با جهان صنعتی مبادلات تجاری دارند. هدف کلیه نظریات غربی از توسعه، فقط دستیابی به رفاه مطلق مادی می‌باشد. این موضوع از نظر اسلام برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیز تنها آن نبوده است، بلکه رفاه مادی به صورت ابزاری جهت رسیدن به اهداف عالی ای که دین اسلام تعیین نموده است جلوه‌گر می‌شوند.

در این مقاله برآنم تا ضمن توضیح مفهوم توسعه و هدف توسعه از منظر اسلام، در حد توان زمینه‌های فرهنگی توسعه و پیشرفت را از دیدگاه اسلام مطرح و تا حد ممکن چارچوبهای کلی الگوی اسلامی فرهنگ توسعه را شناسایی نمایم. البته شایان ذکر است که هدفم بیش از آنکه ارائه یک نظریه نهایی باشد، روشن ساختن زوایای مختلفی است که در دستیابی به یک الگوی نهایی از فرهنگ پیشرفت و توسعه در اسلام حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: مفهوم توسعه در اسلام، نظریات توسعه، نظریه نوسازی، نظریه وابستگی، نظریه مارکسیستی، اسلام و توسعه، شاخص‌های توسعه در اسلام، اهداف غیرمادی توسعه.

یکی از این مدل‌ها، مانیفیست مارکس بود که شاهد نتایج آن بودیم (خاتمی، ۱۳۷۳: ۴۰).

در این نوشته روش ما روش اثباتی خواهد بود یعنی مفهوم بندی چارچوبه‌های کلی الگوی اسلامی فرهنگ توسعه در سطح کلان، که از طریق گردآوری داده‌ها، اسناد و مدارک گوناگون صورت می‌پذیرد. قبل از ورود به بحث لازم است که جهت روشن شدن مطلب، تعاریف و مفهوم متبادر به ذهن خود را از برخی مفاهیم و اصطلاحاتی که در این نوشتار استفاده شده است را روشن نمایم.

مراد ما از اسلام در این نوشته می‌تواند یکی از منابع زیر باشد:

۱. قرآن: قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی دربردارنده خطوط اصلی هدایت بشر برای همیشه است و اصلی‌ترین، مهم‌ترین و معتبرترین شناخت دین به شمار می‌آید. روشهای فهم قرآن و مستند قراردادن آن به تفصیل در علوم قرآنی و علم اصول فقه مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین اگر موضوعی در آیات محکم قرآن آمده باشد می‌توان به آن به عنوان یک آموزه اسلامی توجه کرد و آن را مبنای عمل قرار داد.

۲. نهج‌البلاغه: که مجموعه گفتار امام علی(ع) به پیروانش می‌باشد.

همچنین منابع دیگری که درحقیقت یک قرائت نواز اسلام متناسب با محیط ایران و دوره تاریخی کنونی‌اند که عبارتند از:

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: به عنوان سند و میثاق ملی معتبر و برداشتی مورد وفاق از اسلام متناسب با محیط زمانی و مکانی کنونی ایران که توسط جمعی از نخبگان و علما به رشته تدوین درآمد.

۴. دیدگاه‌های امام خمینی(ره): که کلیه این دیدگاه‌ها در امور مختلف در صحیفه نور متبلور شده است.

در مورد مراد ما از توسعه، لازم به ذکر است که اصولاً یکی از علل اصلی ابهامات و نارسایی‌های تعاریف توسعه، خود ماهیت مقوله توسعه است. مقوله توسعه ماهیتی ارزشی، هنجاری و نسبی دارد. به عبارت دیگر توسعه مفهومی است که هر فرد و گروه و جامعه‌ای معنا و ارزشهای مورد نظر خود را از آن استنباط می‌کند و روشن است که این معانی و ارزشها بسته به موقعیت و حتی مشغولیت افراد و گروه‌ها کم‌وبیش متفاوت‌تند؛ مثلاً

انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران با ایجاد تحول عظیم معنوی در جهان، جامعیت اسلام را به عنوان مکتبی که پاسخ‌گوی نیازهای امروز جامعه است به منصه ظهور رساند. این نظام به واسطه ماهیتی اسلامی و برخاسته از مکتب الهی اکنون در حال عرضه الگویی برای سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان بلکه برای بشریت است. بدون شک سعادت‌تی که با نگاهی به زندگی جاودان در آخرت، دنیایی آباد، سالم و همراه با عدالت اجتماعی را به ارمغان بیاورد مبنایی برای تحول در جهان خواهد شد، و سهم حقیقی جهان اسلام را جلوه‌گر خواهد ساخت. این سهم حقیقی زمانی به تحقق می‌پیوندد که در قبال اندیشه‌های مادی مسلط فعلی الگویی متناسب با ابعاد مادی، معنوی و فطری انسانها به جامعه بشری ارائه شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۵: ۹).

از سوی دیگر ارزشهای یک جامعه فراتر از توسعه اقتصادی، جهت‌گیری و نتایج توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده و شکل می‌دهند. سرمایه‌های انباشته شده مادی و انسانی در اختیار ارزشها و اعتقادات جامعه قرار می‌گیرند. اینکه چگونه یک جامعه توسعه اقتصادی را با ارزشهای خود منطبق کند بستگی به تعریفی دارد که از حیات ارائه می‌دهد و حدی که میان مادیت و معنویت قائل می‌شود. واقعیت امر این است که تاریخ فقط سلطه‌گری سیاسی و فرهنگی را با توسعه اقتصادی آمیخته است. تلفیق انسان دوستی و معنویت و توجه به زندگی اخروی با توسعه اقتصادی به مراتب کمتر دیده شده است. اما تجربیات انسانی و قضاوت‌های او هنوز به پایان نرسیده است و امید است که بتواند این دو امر را به صورتی زیبا درهم ادغام کند. در این راستا، دین مبین اسلام که هم راهنمای دنیوی انسان است و هم راهنمای اخروی، منطقی‌ترین و علمی‌ترین تلفیق را ارائه داده است (سریع‌القلم، ۱۳۷۵: ۶۱).

در این گفتار ضمن توضیح مفهوم توسعه و هدف توسعه از منظر اسلام در حد توان، شاخص‌های توسعه از دید اسلام را شناسایی نموده و تا حد ممکن چارچوب‌های کلی الگوی اسلامی توسعه را شناسایی نمایم. البته شایان ذکر است که در اینجا قصد این را نخواهم داشت یک الگو و مدل نهایی ارائه دهم، زیرا اصلاً زندگی بشر با ارائه مدل و چیزهایی از این قبیل درست نمی‌شود.

اقتصاددانان ارزش را در رشد اقتصادی، افزایش سطح زندگی، جامعه‌شناسان در نظم و تعادل اجتماعی و آگاهان سیاسی در کارآمدی و مشروعیت نظام سیاسی می‌دانند.

در میان توده مردم هم عده‌ای ارزش را در رفاه و ثروت، عده‌ای در نظم و امنیت، عده‌ای در گسترش اخلاق و معنویت و عده‌ای در گسترش آزادی و عدالت می‌دانند. خود این ارزشها را نیز افراد و گروه‌ها و جوامع مختلف، تعریف و تفسیرهای بسیار متفاوتی کرده‌اند (ساعی، ۱۳۷۷: ۲۰).

در ضمن اگرچه توسعه ذاتاً یک امر مادی است لکن نتایج آن می‌تواند در راستای اهداف ارزشی قرار گیرد. به همین جهت شاید به خاطر ارزشی بودن مقوله توسعه است که اندیشمندانی مانند «گی‌روشه» در تعریف توسعه گفته‌اند که: «توسعه عبارت است از کلیه کنش‌هایی که به منظور سوق دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه منظمی از شرایط زندگی جمعی و فردی که در ارتباط با بعضی ارزشها مطلوب تشخیص داده شده‌اند صورت می‌گیرد» (گی‌روشه، ۱۳۶۶: ۲۱۲).

قبل از پرداختن به فرهنگ توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام، مروری اجمالی بر نظریاتی که تاکنون در باب توسعه طرح شده‌اند الزامی به نظر می‌رسد. به همین خاطر در این قسمت به طرح نظریات توسعه می‌پردازیم:

نظریات توسعه

در باب مسئله توسعه تاکنون نظریات متعددی از جانب اندیشمندان این حوزه طرح و مورد بررسی قرار گرفته است. لکن کلیه این نظریات را می‌توان به صورت کلی در سه شاخه تقسیم‌بندی نمود:

الف) نظریات نوسازی (Modernization)

این نظریات حاصل مباحث و تئوری‌هایی است که از سوی پژوهشگران آمریکایی درباره مسائل مربوط به دگرگونی‌های جوامع جهان سوم ارائه شد. این دسته از پژوهشگران جوامع موجود در جهان امروز را به دو دسته سنتی و نوین تقسیم می‌کنند و جوامع غربی را نمونه و الگوی جوامع نوین می‌دانند و مشخصات آن جوامع را به عنوان معیارهای «نو بودن» در

نظر می‌گیرند، و در مقابل جوامع موسوم به جهان سوم را به عنوان جوامعی کم و بیش سنتی قلمداد می‌کنند. در همین راستا نوسازی را عبارت از فرآیندی می‌دانند که طی آن جوامع بشری از حالت سنتی به حالت نوین درمی‌آیند. آنها معتقدند که به هر میزان که ارتباط میان جهان صنعتی و جهان غیرصنعتی (جهان سوم) افزایش یابد جهان سوم بهره‌های بیشتری در توسعه ساختاری و رفاهی خود خواهد بود. طرفداران این نظریه ضمن درونی دانستن عوامل توسعه و توسعه‌نیافتگی و اعتقاد به سیر خطی تمام جوامع، رشد انباشت سرمایه را از عوامل مهم توسعه تلقی می‌نمودند^۱ (سریع‌القلم، ۱۳۷۵: ۲۱).

اشکال عمده‌ای که به این نظریات وارد می‌شود آن است که آنها اقتباس، تقلید و وارد کردن برخی از جنبه‌ها و ظواهر زندگی جوامع صنعتی را از سوی کشورهای جهان سوم مترادف با توسعه و نوسازی آنها قلمداد کرده‌اند و هیچ‌گونه جایگاهی برای ساخت فکری حاکم بر این جوامع و فرهنگ آنها قائل نشده‌اند و این مسئله را مفروض نظریات خود قرار داده‌اند که هدف توسعه در این کشورها همان هدفی است که کشورهای غربی دنبال نموده‌اند.

ب) نظریات جبرگرایانه مارکسیستی (Marxist Determinist Theory)

این نظریات مطرح می‌کنند که سرمایه‌داری موجب توسعه جهان می‌شود. اما این توسعه به صورت متناسب و موزون و برابر در همه ممالک رشد نمی‌کند. از طرف دیگر معتقدند که کلیه جوامع باید سیر تکاملی را در عبور از مراحل پنج‌گانه‌ای که براساس شیوه‌های مختلف تولید، یا انواع مالکیت ابزار تولید مشخص می‌گردد طی نمایند. این مراحل عبارتند از:

جامعه بدوی (کمون اولیه)، مرحله برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم.

مبارزات طبقاتی اجتماع ناشی از شیوه تولید و چگونگی مالکیت ابزار تولید و روابط تقلیدی، موجب تغییر و دگرگونی و عبور از مرحله‌ای به مرحله دیگر می‌شود. در جامعه معاصر، مطابق این نظریه به جای تقابل جامعه سنتی و مدرن تقابل شیوه تولید غیرسرمایه‌داری و سرمایه‌داری قرار دارد و توسعه یعنی

۱. از جمله اندیشمندان طرفدار این نظریه می‌توان به والت روستو، سیریل ادوین بلک، ارگانسکی، دیوید اپتر، تالکوت پارسونز، دانیل لرنر، جerald بریز و... اشاره نمود.



تابع توسعه اقتصادی گروهی دیگر از کشورها (مثلاً کشورهای پیشرفته غربی) است و این رابطه وابستگی از آنجا به وجود آمده است که این دو دسته از کشورها در حالی وارد روابط متقابل تجاری شده‌اند که در درون کشورهای گروه دوم (پیشرفته) انگیزه‌ها و توانایی‌های توسعه و گسترش وجود داشته است؛ ولی در کشورهای گروه اول (وابسته) به دلایلی چنین انگیزه‌ها و توانایی‌هایی وجود نداشته است. در چنین شرایطی کشورهای اخیر فقط می‌توانسته‌اند از توسعه کشورهای پیشرفته متأثر شوند و بدین ترتیب وابستگی متقابل به وابستگی تبدیل شده است (ساعی، ۱۳۷۷: ۳۱).

نظریه وابستگی، احیای نظریه کلاسیک امپریالیسم، تحت عنوان نئو امپریالیسم با تأکید بر اثرات و تبعات منفی آن در کشورهای جهان سوم بود که تأکید بر عوامل بیرونی توسعه نیافتگی یعنی ایجاد و تداوم توسعه نیافتگی را در رابطه نابرابر کشورهای توسعه نیافته (اقمار) با کشورهای توسعه یافته (مراکز) جست و جو می‌کند و راه توسعه را برای کشورهای جهان سوم قطع وابستگی از طریق اصلاح وعادلانه شدن نظام اقتصاد جهانی می‌داند. این دیدگاه در خلال دهه ۱۹۶۰ و پس از شکست الگوهای توسعه غربی، از جمله الگوی نوسازی در بین برخی از اقتصاددانان آمریکای لاتین که بعضی از آنان با کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین وابسته به سازمان ملل (اکلا) همکاری می‌کردند ظاهر شد (حسنی، ۱۳۷۸: ۷۰).^۱ شایان ذکر است که عدم توجه این نظریات به مسائل درونی کشورهای موسوم به جهان سوم از عمده‌ترین انتقاداتی است که به آنها (نظریات وابستگی) وارد می‌شود.

بررسی نظریات طرح شده در باب توسعه تاکنون و تجربیات انسانی در کشورهای توسعه یافته مشخص می‌سازد که یک سری اصول ثابت در باب توسعه در طی چهار قرن اخیر وجود دارد که انسان و کشورهای در حال پیشرفت در پروسه توسعه جدای از اینکه چه ارزشهایی را انتخاب می‌کنند باید رعایت نماید. این اصول عبارتند از:

- ۱- بافت توانایی‌های فکری- سازماندهی هیأت حاکمه
- ۲- توجه به علم ۳- نظم ۴- آرامش اجتماعی ۵- حاکمیت قانون
- ۶- نظام آموزشی ۷- فرهنگ اقتصادی (سریع‌القلم، ۱۳۷۵: ۵۲).

عبور از جامعه فئودالی یا جامعه‌ای با شیوه تولید غیر سرمایه‌داری به جامعه سرمایه‌داری و سپس به مرحله سوسیالیسم و کمونیسم (حسنی، ۱۳۷۸: ۶۷).

عمده‌ترین انتقادات وارده بر نظریات مارکسیستی بر جنبه جبرگرایانه آن است که سیر تکامل و توسعه کلیه جوامع را از ابتدا تا مرحله آخر- که در نظر آنها همان جامعه ایده‌آل کمونیستی است- در یک سیر خطی ترسیم نموده‌اند و معتقدند که کلیه جوامع باید این سیر خطی را طی نمایند.

ج) نظریات توسعه نیافتگی

(Underdevelopment Theory)

اساس نظریات توسعه نیافتگی بر این اصل استوار است که نظام اقتصادی سرمایه‌داری بین‌الملل به طور منظمی عمل می‌نماید که موجب عدم توسعه و اختلال اقتصادهای جهان سوم می‌شود. نحوه عملکرد اقتصاد بین‌الملل طبعاً به ضرر آن دسته از کشورهایی است که سرمایه‌داری نیستند و به طور نابرابری با جهان صنعتی مبادلات تجاری دارند. این نظریات به دو بخش وسیع تقسیم می‌شوند:

۱- نظریات ساختاری (Structural Theory)

این نظریات ضمن برشمردن شاخص‌های انبوه جمعیت، کشاورزی معیشتی، نرخ اندک پس‌انداز، وابستگی شدید به صادرات مواد اولیه، تمرکز سیاسی به عنوان عوامل ساختاری مانع توسعه در کشورهای جهان سوم، تشکیل سازمان‌های بین‌المللی مانند انکتاد (United Nation Conference on Trade and Development)، تنظیم سیاست‌ها و مقررات بین‌المللی برای تثبیت روابط اقتصادی و قیمت‌های مبادله، صنعتی شدن سریع و اتخاذ سیاست جانشینی واردات (Import Substitution) را جهت مبارزه با نارسایی‌های موجود پیشنهاد می‌نمایند که هدف اصلی این توصیه‌ها برابر نمودن شرایط مبادله است تا آثار مثبت این مبادله از طریق افزایش درآمد، اشتغال، بازار داخلی و توسعه عمومی پدیدار گردد (سریع‌القلم، ۱۳۷۵: ۲۲).

۲- نظریات وابستگی (Dependency Theory)

طبق این نظریه، وابستگی وضعیتی است که در آن اقتصاد گروهی از کشورها (مثلاً کشورهای موسوم به جهان سوم)

۱. از جمله نظریه پردازان مکتب وابستگی می‌توان راول پریش، اسوالد سونکل، دوس سانتوز، فرناندو هنریکو کاردوسو، انزو فانلو، سمیرامین، امانوئل والرشتاین، آندره گوندر فرانک و... را نام برد.



در استخراج این عوامل، استنباط انسانی به کار رفته است و به طور عملی و منطقی قابل تصحیح و تغییرند و خوب بودن یا بد بودن این موارد مورد نظر نبوده است. در این پژوهش نیز ما سعی خواهیم نمود علاوه بر سایر مطالب که ذکر خواهد شد، هماهنگی اصول ثابت توسعه را با اصول توسعه از دید اسلام با ارائه اسناد و مدارک مشخص سازیم. حال پس از بررسی اجمالی الگوهای مرسوم توسعه و طرح اصول ثابت توسعه وارد بحث اصلی این نوشتار یعنی مفهوم و هدف توسعه در اسلام می‌شویم.

مفهوم و هدف پیشرفت و توسعه در اسلام

توسعه، لغت یا مفهوم جدیدی است از تکامل بشری. بشر به طور فطری به تکامل و بهبود علاقه مند است و در این راه دائماً کوشش می‌کند. به طور ذاتی در پی این است که از موقعیت فعلی به موقعیت مطلوب و مورد تصور خود دست یابد، از روز اول خلقت هم، بشر به دنبال این تکامل بوده است. در چند قرن اخیر، مفهوم قدیمی تکامل به مفهوم جدید توسعه و توسعه‌یافتگی تبدیل شده است. گردونه‌ای را که غرب در چند قرن اخیر به وجود آورده این بوده که برای همان اصلاح تکامل بشری که از قبل وجود داشته و بشر به آن علاقه مند بوده یک قالب علمی و کاربردی و روشی ایجاد کرده است.

لیکن شایان ذکر است که دست یابی به رفاه مطلق مادی که هدف توسعه در غرب می‌باشد برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیز آن نبوده است، بلکه آنها به صورت ابزاری جهت رسیدن به اهداف عالی که دین مبین اسلام تعیین نموده است جلوه‌گر می‌شوند. قرآن کریم در موارد مختلف بر این نکته اشاره نموده است که تمامی مساعی انسان باید در جهت کسب و افزایش ایمان باشد تا بدین ترتیب شایستگی لازم را برای رسیدن به حضور خداوند متعال دارا باشد (سوره بقره ۲۲۳، ۲۱۲، ۱۰۸، ۱۰۳) (سوره آل عمران ۱۶، ۱۳) (یوسف ۵۷) (مریم ۸۸، ۷۳) (مؤمنون ۶۲، ۵۵) (شعراء ۱۲۰، ۱۱۱) (قصص ۸۰) (احزاب ۴۷) (محمد ۳۶) (تحریم ۵). و این کمال جز در سایه پرستش خداوند حاصل نمی‌شود (یس ۶۱). در برخی از آیات هدف از آفرینش، پرستش خدا شمرده شده است (ذاریات ۵۶). و از سوی دیگر پرستش خدا نیز باید براساس اختیار و داشتن

آزادی در انتخاب (بقره ۲۵۶، ۱۷۳) (انعام ۱۴۵) باشد تا موجب کمال آدمی شود و لازمه آن وجود زمینه برای آزمایش انسان است تا در مواجهه با عوامل مخالف و موافق و بر سر چند راهی‌ها از روی اختیار و به انتخاب خویش سرنوشت خود را رقم زند، از این رو در آیات دیگر، هدف از آفرینش انسان آزمایش او شمرده شده است (کهف ۷) (هود ۷) (ملک ۲). و هدف نهایی چیزی جز رسیدن به نزد خدا و برخورداری از لذت وصل او نیست (هود ۱۱۹، ۱۱۸).

اسلام مکتبی است که بر جنبه‌های مادی انسان نیز تأکید نموده است لکن آنها را به عنوان ابزاری جهت رسیدن به اهداف متعالی انسان در نظر گرفته است. بدین ترتیب اگر ما رسیدن به اهداف متعالی را که از خلقت انسان مدنظر بوده است، هدف توسعه در اسلام تلقی نماییم بدون شک رسیدن به این اهداف مستلزم در دست داشتن ابزار مادی و معنوی است؛ یعنی توسعه در اسلام (رسیدن به اهداف متعالی انسان) دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد. در مورد ابعاد مادی توسعه در قرآن کریم آمده است که:

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»

«او (خدا) شما را از زمین ایجاد کرد و به آبادانی در آن گماشت.»

(هود ۶۱)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می‌فرماید: «عمارت، تغییر دادن زمین به محصولی است که بدان گونه بتوان از فواید مورد انتظار از آن استفاده کرد» (تفسیر المیزان، ج ۱۰: ۳۲۱). با توجه به آیه مذکور که خدا انسان را مأمور آبادانی زمین قرار داده است؛ طبیعتاً این مأموریت مستلزم در اختیار قراردادن امکانات و ابزارهای لازم برای عمران و آبادی زمین است؛ که ظاهراً اعطای منصب خلافت الهی به انسان در زمین به همین منظور است.

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»

«به یاد آر هنگامی که خداوند به فرشتگان فرمود: من در روی زمین خلیفه قرار می‌دهم.» (بقره ۳۰) و با توجه به اینکه انسان خلیفه خدا بر روی زمین است پس خداوند زمین و آنچه در آن است برای زندگی او آفریده است:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»

«خداوند برای شما، همه آنچه در زمین وجود دارد آفریده است.»

(بقره ۲۹)

همچنین خداوند می‌فرماید:

«هو الذي جعل لكم الارض ذلولا»

«او (خدا) است که برای شما زمین را رام قرار داد.»

(ملک ۱۵)

از آیات قرآن استفاده می‌شود که عمران و توسعه مورد نظر اسلام تنها دارای بعد مادی و اقتصادی نیست بلکه برای عمران و توسعه ابعاد انسانی، اخلاقی، روانی و معنوی نیز در نظر گرفته شده است. براین اساس زمین آنگاه آباد (توسعه یافته) است که رشد و افزایش ثروت انسانها همراه با آرامش و آسایش آنان باشد. به همین خاطر برخی آیات قرآن یک رابطه معنوی بین ایمان به خدا، عبادت او و آبادی زمین و رفاه مادی انسانها را مطرح می‌سازد:

«ولو أن اهل لقرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض»

«و چنانچه اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند به یقین (درهای) بركات آسمانی (توسعه معنوی) و زمینی (توسعه مادی) را به روی ایشان می‌گشودیم.»

(اعراف ۹۶)

توسعه پایداری معنوی و مادی → تقوا + ایمان

امام علی (ع) در خطبه ۹۱ نهج البلاغه می‌فرماید:

«فأحبطه بعد التوبة ليعمر ارضه بنسله»

«خداوند پس از توبه آدم را به زمین فرود آورد تا زمین را با نسل او آباد کند.»

همچنین ایشان در نامه خود به مالک می‌فرمایند: «باید نگرستن به آبادانی بیشتر از گرفتن خراج باشد، که گرفتن خراج جز با آبادانی میسر نشود. و آنکه خراج گیرد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد» (نهج البلاغه، ۳۳۳: ۵۳).

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است که: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام

اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت» (مقدمه قانون اساسی ج.ا.ا).

امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر دو بعدی بودن اسلام می‌فرماید: «مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست، یک مکتب مادی و معنوی است. مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب نفس آمده است» (صحیفه نور، ج ۷: ۱۶-۱۵).

درجایی دیگر می‌فرماید: «اسلام هم آمده است این انسان را درستش کند و بسازد و همه بعدهایش را، نه یک بعد فقط، نه همان بعد روحانی تنها، که غفلت کند از این جهات طبیعت و نه فقط بعد طبیعت که اکتفا کند. به این، این وسیله است، آن مقصد» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۲۵). یا می‌فرماید: «اسلام علاوه بر اینکه بشر را در روحيات غنی می‌کند در مادیات غنی می‌کند. اسلام دین سیاست است، قبل از این که دین معنویات باشد، اسلام همانطوری که به معنویات نظر دارد و همانطوری که به روحيات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب نفس می‌کند، همانطور به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند در عالم که چطور از مادیات استفاده کنند و چه نظری در مادیات داشته باشند. اسلام مادیات را چنان تعدیل می‌کند که به الهیات منجر می‌شود. اسلام در مادیات به نظر الهیات نظر می‌کند و در الهیات به نظر مادیات نظر می‌کند. اسلام جامع ما بین همه جهات است» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۴۱).

مفهوم و هدف توسعه و پیشرفت در اسلام را می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود که برخلاف هدف توسعه در غرب که تنها جنبه مادی زندگی را در نظر می‌گیرد. هدف توسعه در اسلام رسیدن به ارزشهای متعالی انسان می‌باشد و رشد انسان هدف فعالیت‌های مادی انسان قرار می‌گیرد (صحیفه نور، ج ۳: ۵۴-۵۳). به عبارت دیگر مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست بلکه یک مکتب مادی معنوی است و مادیت را در پناه معنویت قبول دارد (صحیفه نور، ج ۷: ۱۵). در مکتب اسلام توسعه هدفی جز به حداکثر رساندن سعادت انسان در تمام زمینه‌ها از جمله اقتصاد، اخلاق و فرهنگ وجود ندارد به عبارت دیگر از نظر اسلام مفهوم کلی توسعه فقط رفاه و آسایش در این جهان را جست و جو نمی‌کند بلکه رفاه در هر دو جهان را مدنظر دارد و بین این دو هیچ فرقی وجود ندارد

(گرمارودی، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

پس از بررسی مفهوم و هدف توسعه در اسلام در این قسمت ما سعی خواهیم نمود ضمن بررسی شاخص‌های توسعه از دید اسلام، هماهنگی تعالیم اسلامی را با اصول ثابت توسعه نیز مشخص سازیم.

زمینه‌های فرهنگی توسعه و پیشرفت در اسلام

در نگرش اسلامی، معیارهای رشد و توسعه هنگامی می‌تواند گویای «توسعه نظام رفتاری» انسان و جامعه باشد که بتواند توضیح کافی برای حفظ تعادل و توازن معنوی و مادی، اخروی و دنیوی در عرصه‌های مختلف اجتماعی ارائه کند و در عمل شاخص‌هایی را معرفی نماید که گویای جنبه‌های کیفی و کمی باشد (نیوی، ۱۳۷۵: ۹۳).

در این قسمت اساسی‌ترین زمینه‌های فرهنگی توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام را که از منابع اسلامی استخراج شده، در ابعاد مادی و معنوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سعی بر آن است تا در توضیح هر یک از این معیارهای فرهنگی، به ذکر برخی منابع معتبر بپردازیم:

- تقوا

آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد به سعادت حقیقی‌اش - همان زندگی طیبه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است - می‌رساند عبارت است از: تقوا و پروا از خدا کردن و پاس حرمتش داشتن. آری تنها و تنها وسیله برای رسیدن به سعادت آخرت همان تقواست که به طفیل سعادت آخرت سعادت دنیا را هم تأمین می‌کند (علامه طباطبایی، ج ۴: ۱۰۴-۹۹).

در سوره اعراف آیه (۹۶) داشتن تقوا و ایمان عملی مهم جهت توسعه پایدار معنوی و مادی معرفی می‌شود. همچنین تقوی در کردار و رفتار اقتصادی یک مسلمان نقش هدایت کننده و جهت دهنده را دارد چرا که خدا معتقد است که متقیان را دوست دارد و مشکلات آنها را زودتر و آسان تر حل می‌نماید و به آنها وعده‌های نیکو می‌دهد:

«من یتق الله يجعل له من امره يسرا»

«هر کس متقی و خدا ترس باشد خدا مشکلات کار او را (در دو عالم) آسان گرداند» (طلاق: ۴).

در برخی آیات قرآن کریم تقوا، رمز شکوفایی و برکت معرفی شده است (مائده ۱۰۵، ۸۷، ۶۸، ۶۵) (اعراف ۹۶، ۵۸، ۳۵) (یونس ۶۴، ۶۲) (محمد ۳۶).

امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «پس هر که تقوی و پرهیزکاری پیشه گیرد لطف و کرامت (خداوند متعال) بعد از نایابی برای او بسیار و رحمت و مهربانی پس از دور شدن به او بازگشت کند و نعمت‌ها پس از کم شدن بر او فراوان گردد و برکت مانند باران بزرگ قطره پس از اندک باریدن به او برسد» (نهج البلاغه فیض الاسلام: ۶۱۱).

در اصول (۱۱۵ و ۱۰۹ و ۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از شرایط رهبری و حاکم اسلامی و همچنین رئیس جمهوری که به عنوان انتخاب کنندگان و تصمیم گیرندگان امر توسعه مطرح اند تقوی معرفی شده است.

- علم محوری

نهادی شدن علم در یک جامعه استدلال، مطالعه، تحقیق، بحث و گفت و گو و اندیشه و روحیه علمی را به دنبال می‌آورد. علم به انسان کمک می‌کند تا از ذهن‌گرایی و تصحیح ناپذیری به سوی عینیات، محاسبه، بهبود و تصحیح و انتقادپذیری حرکت کند. توسعه ذاتاً به دنیای عینی بیشتر توجه دارد و علم هم ابزار این توجه را در اختیار انسان قرار می‌دهد و توجه او را به سیستم و کارایی مجهز می‌نماید. به طور کلی، از آنجا که توسعه شامل شناخت، بهینه‌سازی، سازماندهی برنامه‌ریزی و عینیات می‌شود، علم به مفهوم استدلالی نمودن اندیشه‌ها و اعمال، زمینه‌ساز، تسهیل کننده و عامل تکامل توسعه می‌باشد (سریع‌القلم، ۱۳۷۵: ۵۷). لکن لازم به ذکر است که علم و ایمان با هم دو بال پروازند و به قول استاد مطهری (ره) «علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد، علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت» (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۰۶).

قرآن کریم در جاهای مختلف تعمیم و تعمیق دانش و بینش را فلسفه بعثت انبیاء معرفی نموده است (بقره ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۱۹، ۲۸۲) (آل عمران ۱۶۴) (انعام ۹۱) (اعراف ۶۲) (کهف ۲۱) (احزاب ۳۴) (جمعه ۲). و عالمان و ژرفاندیشان مخاطب‌های آشنای قرآن معرفی شده‌اند (بقره ۲۳۰، ۲۶۹) (آل عمران ۷) (انعام ۹۷، ۱۰۵، ۱۱۴) (اعراف ۳۲) (اسراء ۱۰۷، ۱۰۹) (نمل ۵۲) (عنکبوت ۴۳) (سبا ۶) (زمر ۹) (فصلت ۳). قرآن ضمن

معرفی دانش و بینش به عنوان امتیاز پیامبران (بقره ۳۱) (یوسف ۲۱) (انبیاء ۷۴، ۷۹) (قصص ۱۴) ارزش دانش و بینش را در مقایسه با زور و زر مشخص نموده است (بقره ۲۶۹) (آل عمران ۹۰، ۹۱). امام علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «خیر آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود بلکه خیر آن است که علمت فراوان گردد» (نهج‌البلاغه، قصار: ۳۶۶).

امام خمینی(ره) ضمن سفارش به جدیت در کسب علم می‌فرماید: «باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلف، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشد که نیازمندی‌های میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود» (صحیفه نور، ج ۹: ۱۸۶).

در اصل (۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر استفاده از علوم پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها مورد تأیید قرار گرفته است. در اصل سوم هم بر تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در زمینه‌های علمی تأکید شده است. همچنین در اصل (۴۳) بر استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور مطرح شده است، ضمن آنکه یکی از شرایط و صفات رهبر را در اصل (۱۰۹)، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه برشمرده‌اند.

- قانون مداری

برای آنکه محاسبات مادی و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در امر توسعه از جانب مردم و دولت قابل اجرا و پیشرفت و از کارایی لازم برخوردار باشد، باید ثبات قانونی و حاکمیت قانون جدی گرفته شود. زمانی محاسبات نسبت به آینده قابل تدوین خواهد بود که با پشتوانه قانونی بتوان به طور نسبی وضعیت آینده را پیش‌بینی نمود.

قرآن کریم بارها از قانون‌مندی جامعه و تحولات آن سخن به میان آورده است (انعام ۶۱، ۶۶، ۸۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۶۵) (هود ۱۱۷، ۱۱۹) (رعد ۳۸) (اسراء ۱۶، ۱۷، ۵۸، ۷۶، ۷۷) (کهف ۵۹) (طه ۱۲۸، ۱۲۹) (انبیاء ۹۵، ۱۰۳) (قصص ۳، ۲۹، ۵۹، ۷۰) (تکویر ۲۵).

امام خمینی(ره) در بیانات خود حکومتی را قابل قبول می‌داند که تابع قانون باشد و می‌فرماید: «ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد که لااقل تابع قانون باشد و تبع قانون اسلام باشد؛

تبع قوانین مجهوله صحیح باشد» (کوثر، ۱۳۷۳: ۲۵۱).
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مکرراً رجوع و عمل به قانون مورد تأکید است (اصول ۸، ۱۳، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۷۱، ۷۳، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲).

- رفع فقر از جامعه (رفع نیازهای مادی)

رسیدن به اهداف متعالی که خداوند متعال از خلقت انسان در نظر داشته است، هنگامی بهتر میسر خواهد شد که انسان به لحاظ نیازهای جسمانی و مادی احساس کمبودی نداشته باشد. به صورتی که خداوند متعال در قرآن کریم فقر را باعث گرایش انسان‌ها به زشتی‌ها و انحراف از راه راست معرفی می‌نماید و می‌فرماید:

«الشیطن یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء و الله یعدکم مغفره منه و فضلا و الله واسع علیم»

«شیطان به وعده فقر و ترس و بی‌چیزی شما را به کارهای زشت و بخیلی وادار کند و خداوند (برای رغبت و احسان) به شما وعده آمرزش و احسان دهد و خدا را فضل و رحمت بی‌منتهاست و به امور جهان داناست».

در جاهای مختلف قرآن کریم فقرزدایی در سیاست و فرهنگ اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (بقره ۱۷۷، ۲۱۵) (نساء ۸، ۳۶) (مائده ۸۹) (انفال ۴۱) (توبه ۶۰) (حج ۲۸، ۳۶) (حشر ۷، ۸) (حاقه ۳۳، ۳۴) (بلد ۱۱، ۱۷).

امام علی(ع) نیز ضمن برشمردن فقر به عنوان بزرگترین بلا (نهج‌البلاغه، قصار: ۱۶۳) خطاب به فرزندان محمد بن حنیفه می‌فرماید: «پسرکم از فقر بر تو ترسانم پس از آن به خدا پناه بر که فقر دین را نقصان می‌رساند و خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آرد» (نهج‌البلاغه، قصار: ۳۱۹).

امام خمینی(ره) بارها در بیانات خود هدفشان را رفع فقر معرفی می‌نماید: «ما آمده‌ایم این محروم‌ها را از محرومیت دریاوریم» (صحیفه نور، ج ۶: ۱۲۹). «همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسؤولین کشور ماست که روزی فقر تهیدستی در جامعه ما رخت بریندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۲۹). همچنین می‌فرماید: «هدفش (نظام جمهوری

اسلامی) قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم است که از همه جهت مورد ظلم واقع شده‌اند» (صحیفه نور، ج ۴: ۶). رفع نیازهای مادی انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف مورد تأکید قرار گرفته است (بند ۱۲ اصل ۳، اصول ۲۹-۳۱-۴۳-۱۰۰).

- عقلگرایی

در اسلام تأکید بسیاری بر عقلانیت شده است، لکن عقلانی بودن یک فعل است و عطف آن فعل صرفاً به سود مادی قابل احراز نیست و نمی‌توان عقلانیت را تنها در نوع نسبت میان هدف و وسیله دنبال کرد، بی‌آنکه از عقلانیت هدف که سر اصلی این نسبت است پرسشی به میان آورد. به همین خاطر چه بسا رفتاری که در دستگاه «هزینه-سود» در یک انسان‌شناسی غیرالهی «عقلانی» تلقی می‌شود در دستگاه «هزینه-سود» جامع‌تر که انسان‌شناسی اسلامی مدعی آن است کاملاً غیرعقلانی از آب درآید و برعکس (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۷۵: ۲۷۰).

قرآن کریم در رابطه با ارزش خرد و خردمندی؛ ضمن معرفی حکمت‌آموزی و شکوفایی خرد در فلسفه بعثت و نزول قرآن (بقره ۱۵۱) (انعام ۱۵۱) (یوسف ۲) (نحل ۱۲۵) (زخرف ۳) ایجاد انگیزه تعقل در فلسفه پیام‌های خداوند در تکوین و تشریح معرفی می‌کند (بقره ۱۶۴، ۲۴۲). و از قبح آشکار پیروی از بیخردان (بقره ۱۷۰) (زمر ۴۳) سخن به میان می‌آید. ضمن معرفی خرد و اندیشه به عنوان راز تحلیل درست مسائل (یونس ۱۶) (هود ۱۵) بهره‌گیری از برهان عقلی را در سیره پیامبران مطرح می‌کند (بقره ۲۵۸) (یونس ۱۶-۳۵) (نور ۵۰) (شعراء ۲۸).

امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «گرانمایه‌ترین بی‌نیازی خرد است و بزرگترین درویشی بی‌خردی است» (نهج‌البلاغه، قصار ۳۸). همچنین می‌فرماید: «هیچ مالی از خرد سودمندتر نیست» (نهج‌البلاغه، قصار: ۱۱۳). و در تعریف خردمندی می‌فرماید: «خردمند آن بود که هر چیزی را به جای خود نهد» (نهج‌البلاغه، قصار ۲۳۵).

- مردم‌مداری

اسلام مردم را یکی از پایه‌های مهم توسعه می‌داند و نقش مهمی برای مردم قائل است که این نقش به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌پذیرد. نقش مستقیم مردم در روند توسعه

این است که آنان در ابعاد عملی به وجود آورندگان و تحقق بخشندگان اهداف توسعه تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر جهت دهندگی نخبگان و برنامه‌ریزی‌های نظام سیاسی در مسیر توسعه و تکامل را مردم تحقق بخشیده و به نتیجه می‌رسانند. بنابراین مردم از سویی مجریان توسعه و تکامل، و از سوی دیگر هدف توسعه و کمالند؛ زیرا تمامی جهت‌دهی‌ها به سمت رشد، توسعه و کمال و تمام برنامه‌ریزی‌ها در این مورد در روند به خاطر آنان بوده و خودشان نیز در تحقق آن سهم بزرگی دارند. نقش غیرمستقیم مردم در روند رشد و توسعه کشور این است که بر عملکرد نخبگان و نظام سیاسی نظارت می‌نمایند. آنان از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، کیفیت برنامه‌ریزی‌ها و بازدهی آن را افزایش داده و در صورت وجود کوچکترین تعلل و تخلف در نخبگان یا نظام سیاسی، آنان را مورد سؤال قرار داده، به پاسخ‌گویی فرا می‌خوانند (علیخانی، ۱۳۷۹: ۲۹۷).

قرآن کریم مردم دوستی و مردم‌داری را اصلی در سیاست و فرهنگ اسلام و ادیان الهی معرفی می‌نماید (بقره ۸۳) (آل عمران ۱۳۴) (رعد ۶) (نمل ۷۳) (روم ۵۸) و بر ارزش آگاهی مردم و قضاوت افکار عمومی نیز تأکید نموده است (یوسف ۵۲، ۴۵۰). امام علی (ع) ضمن اینکه یکی از ارکان حکومت و اداره جامعه را مشورت می‌دانند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۳۲۲-۳۲۸) (نهج‌البلاغه، قصار ۲۱۱، ۱۷۳، ۱۱۳) مردم را از مخاطبان جهت مشورت معرفی می‌نمایند (نهج‌البلاغه، قصار: ۱۶۱).

امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید: «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم» (صحیفه نور، ج ۳: ۴۹).

در جای دیگری می‌فرماید: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملت مان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان چیزی را تحمیل بکنیم» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۸۱).

ایشان ضمن اینکه می‌فرماید: «ما تابع آرای ملت هستیم ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آن تبعیت می‌کنیم» (صحیفه نور، ج ۲: ۲۶۰). میزان رأی ملت معرفی می‌نماید (صحیفه نور، ج ۵: ۲۴). و معتقدند که بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کار کرد

(صحیفه نور، ج ۱۹: ۷-۳۶).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول مختلف بر مردم و مشارکت مردمی تأکید شده است (اصول ۳-۶-۲۹-۵۹-۱۰۰-۱۰۴-۱۰۷-۱۷۷).

- آزادی

اسلام ضمن اعتقاد به اینکه انسان آزاد آفریده شده، آزادی را عامل ایجاد تحولات، پیشرفت‌ها، انقلاب‌ها و تمدن‌ها معرفی نموده و آزادی را سبب پیشرفت جامعه در جهت سازندگی و ترقی معرفی می‌نماید (علیخانی، ۱۳۷۹: ۲۰۶).

قرآن کریم ضمن تأکید بر آزادی عقیده (بقره ۲۵۶) آزادی و اختیار را شرط تکلیف معرفی نموده است (بقره ۱۷۳) (انعام ۱۴۵) و آزادی از نوع اسارت‌ها را در فلسفه بعثت معرفی نموده است (اعراف ۱۵۷) (نحل ۷۵) (طه ۴۷، ۷۱) (فرقان ۶۵) (شعراء ۱۷).

امام علی (ع) ضمن تأکید بر آزادی انتقاد از حاکمان (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۲۸) بر آزادی بیان تأکید می‌نماید (نهج البلاغه، ۲۱۷: ۲۵۰) و در مورد آزادی افراد و احزاب مخالف می‌فرماید: «کسی که از روی اطاعت با من بیعت کرد پذیرفتم و کسی که از بیعت کردن با من امتناع ورزید او را وادار به بیعت نکرده و رهایش کردم» (ثقفی کوفی اصفهانی، ۱۳۵۶، ج ۲: ۳۱۰).

امام خمینی (ره) پایه سیاست داخلی و خارجی کشور را حفظ آزادی مردم و مسلمین معرفی می‌نماید (صحیفه نور، ج ۳: ۲۳۶-۴۹). ایشان ضمن معرفی آزادی به عنوان یک نعمت بزرگ الهی (صحیفه نور، ج ۷: ۴۲) آزادی را به عنوان حقوق بشریت معرفی می‌نمایند (صحیفه نور، ج ۲: ۱۷۶-۱۳۶-۱۳۰) (صحیفه نور، ج ۳: ۱۹۰-۵۸) (صحیفه نور، ج ۴: ۱۹۹-۷۴-۶۶). لکن می‌فرمایند که: «آزادی باید طبق قانون باشد» (صحیفه نور، ج ۷: ۲۰۲).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی بر ابعاد مختلف آزادی تأکید نموده است (اصول ۱۲۱، ۱۵۴، ۶۷، ۴۳، ۱۷۵، ۸۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۴، ۲۳، ۱۲، ۳۰، ۳۱، ۳۲).

- شایسته‌مداری و تخصص

توسعه که به یک معنا به کارگیری صحیح نیروها می‌باشد در سیستمی مفهوم پیدا می‌کند که تخصص به صورت اصیل در آن مطرح باشد و نظر تخصصی بر اظهار نظر سلیقه‌ای مقدم گردد. بحث توسعه که به معنای پیشرفت و تکامل و کمال مادی

و معنوی یک جامعه است در گردونه فعلی بین‌المللی، فقط از طریق شایسته‌مداری امکان‌پذیر است و منظور از آن اصلاح حوزه نخبگی است که بتواند با تخصص و تعهد و مهارت و تفکر و نظارت نه تنها پیشرفت جامعه را به دست گیرد بلکه الگویی برای آن باشد (سربع‌القلم، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

قرآن کریم ضمن معرفی دانش و توانمندی به عنوان شرط رهبری (بقره ۲۴۷، ۲۵۱) (یوسف ۵۵) (مریم ۵۰-۴۳) صالح و نیکوکار بودن را به عنوان ملاک شایستگی آورده است (جن ۱۱).

امام علی (ع) در خطبه شششنبه ضمن بیان لیاقت و شایستگی خود برای امر حکومت لزوم توجه به این معیار را یادآور می‌شود (نهج البلاغه، خطبه ۳: ۹) و می‌فرماید: «کار مردم جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶: ۲۴۸). ایشان معتقدند: «کارها به وسیله کارکنان و کارگزاران راست و درست می‌شود و آفت کارها ناتوانی کارکنان است» (قزوینی، ۱۳۷۱: ۸۴-۷۰) و صریحاً می‌فرماید: «کارها را به دست افراد متخصص و خیره بسپارید» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۸).

امام خمینی (ره) درباره تخصص و شایستگی می‌فرماید: «تا آنجا اسلام کوشش دارد برای متخصص که در احکام عادی و احکام شرعی متخصص‌تر را میزان قرار داده است رأی تخصصی‌تر را میزان قرار داده است» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۲۳۲) و ضمن اذعان به این مطلب که دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلف موفق نخواهد شد (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۰۸) می‌فرماید: «شما سعی کنید از متخصصین متدین و متعهد استفاده کنید ما بارها گفتیم که ما متخصص می‌خواهیم ولی متخصص متعهد ولی دشمنان ما فریاد زدند که اینها با تخصص مخالفند البته که متخصص منحرف از هر کس خطرناک‌تر است» (صحیفه نور، ج ۵: ۱۹۲). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول مختلف بر شایسته‌مداری و تخصص‌گرایی تأکید شده است (اصول ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۱۵، ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۷، ۴۳).

- نظم

اصولاً توسعه با ترتیب و مراحل کار امکان‌پذیر است؛ لذا جهت رعایت ترتیب زمانی و ترتیب عملی تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات توسعه جامعه به شدت به نظم و ترتیب در تمامی شئون زندگی وابسته است. به طور فوق‌العاده بدیهی، نظم از ویژگی‌های



بارز جوامعی بوده است که توسعه اقتصادی به مفهوم بهینه‌سازی نیروهای مادی انسانی را اساس قرار داده‌اند.

قرآن کریم بارها ضمن صحبت از انضباط حاکم بر نظام هستی (اعراف ۵۴) (ابراهیم ۳۳، ۳۲) (حج ۶۵) (یس ۴۰) فرمانپذیری و انضباط را شرط اصلی سیر و سلوک معرفی نموده است (کهف ۷۲، ۷۳). و ضمن توضیح نظم در سیره پیامبران (آل عمران ۱۲۱) (نساء ۱۰۲) (نمل ۲۱، ۲۰) نظم و زیبایی را در پیوندی تنگاتنگ قرار داده است (طور ۲۰). و از نظم به عنوان زمان‌بندی نیز صحبت به میان آورده است (توبه ۳۶) (یونس ۵، ۳) (حجر ۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری در اصل سوم اشاره شده است.

- عدالت اجتماعی

شاید در مورد هیچ امری به اندازه عدالت در اسلام تأکید و سفارش نشده باشد. قرآن کریم ضمن توضیح تأکید بر عدالت در فرهنگ ادیان (بقره ۱۳۴، ۸۶، ۸۴) (انعام ۱۱۵، ۱۵۲) (اعراف ۲۹) (نحل ۹۰، ۷۶) بر پای بندی به عدالت در داوری (نساء ۵۸) (مائده ۵۴) تأکید بر حقوق اقلیت (مائده ۵) و قرار گرفتن عدالت به عنوان اصل حاکم بر سیاست و سیره پیامبران صحبت به میان می‌آورد (شوری ۱۵) (ممتحنه ۱۰-۸). و در بسیاری از سوره‌های قرآن کریم بر عدالت اجتماعی تأکید می‌نماید (بقره ۱۹۰-۱۹۴-۱۹۶-۲۶۱-۲۸۱) (آل عمران ۱۳۰-۱۳۲) (نساء ۴-۲) (مائده ۵۴) (اعراف ۲۹). هدف انبیاء را برقراری عدالت و قسط معرفی می‌نماید (حدید ۳۵).

امام علی (ع) نیز عدل را به عنوان «رستگاری و کرامت»، «برترین فضیلت»، «بهترین خصلت» و «بالاترین موهبت الهی» (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۱۲-۹۷)، آن را «مأنوس خلایق» و رعایت آن را موجب «افزایش برکات» ذکر می‌کند (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۱: ۱۱ و ج ۳: ۲۰۵). به نظر امام علی (ع) جوهره و هسته اصلی ایمان عدالت است و تمام نیکویی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرند (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۲: ۳۰) و ملاک حکمرانی عدل است (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۶: ۱۱۶) و عدالت محکم‌ترین اساس و بنیانی است که در نظام اجتماعی وجود دارد (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۱: ۲۱۶).

ایشان می‌فرمایند: «تحقیقاً بهترین چیز برای حاکمان اقامه عدالت است و ظهور محبت مردم (را به دنبال دارد) و به درستی که محبت مردم ظاهر نمی‌شود مگر به سلامت سینه‌هایشان (به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان)» (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۲۵).

امام خمینی (ره) هدف را عدالت اجتماعی معرفی نموده و می‌فرماید: «غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند. عدالت اجتماعی در بین مردم باشد» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۴۶). و در جایی دیگر می‌فرماید: «پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۷۸).

برای نمونه‌های دیگر در زمینه عدالت اجتماعی در دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان رجوع کرد به: (صحیفه نور، ج ۱: ۴۷-۱۱۹-۲۱۸-۲۳۶-۲۳۸-۲۷۲) (ج ۲: ۴۴-۱۵۹-۱۱۵) (ج ۳: صفحات ۵۲-۱۵۶-۸۴-۱۵۸) (ج ۴: صفحات ۶۰-۱۷۶-۱۲۸-۲۴۲) (ج ۶: ۲۰-۱۹۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول مختلف عدالت مورد تأکید قرار گرفته است (اصول ۲-۳-۹-۱۰-۱۴-۶۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری؛ درآمدی بر الگوی اسلامی فرهنگ توسعه

در این پژوهش ضمن بیان مفهوم متبادر به ذهن خود، از اصطلاحات اسلام و توسعه به شناسایی مفهوم و هدف توسعه در اسلام و همچنین زمینه‌های فرهنگی توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام پرداخته شد و به این نتیجه رسیدیم که براساس آیات و روایات اسلامی، برخلاف هدف توسعه در غرب که تنها جنبه مادی زندگی را در نظر می‌گیرد، هدف توسعه در اسلام رسیدن به ارزش‌های متعالی انسان که در هدف خلقت انسان منظور گردیده، می‌باشد، و رشد انسان هدف فعالیت‌های مادی قرار گرفته است. به عبارت دیگر اسلام یک مکتب مادی صرف یا معنوی صرف نیست بلکه مکتبی مادی و معنوی است لکن مادیت را در پناه معنویت قبول دارد.

بدین ترتیب مفهوم توسعه در اسلام را این‌گونه جمع‌بندی نمودیم که توسعه از منظر اسلام عبارت است از: «رسیدن به اهداف متعالی تعیین شده از سوی خداوند متعال برای انسان، از

در خلقت انسان مدنظر بوده است) وجود دارد. در مورد این رابطه می‌توان به آیات و روایات متعددی در اسلام مراجعه نمود. برای مثال در آیات متعددی داشتن تقوا را عامل رفع نیازهای مادی انسان معرفی می‌کند (اعراف ۳۵-۹۶-۵۸) (طلاق ۴) (مائده ۶۵-۶۸-۸۷-۱۰۵) (یونس ۶۲-۶۴) (محمد ۳۶). و صریحاً در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌فرماید:

«چنانچه اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، به یقین (درهای) برکات آسمانی (توسعه معنوی) و زمینی (توسعه مادی) را به روی ایشان می‌گشودیم».

توسعه پایدار مادی و معنوی = تقوا + ایمان

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پی‌ریزی اقتصادی مبتنی بر ضوابط اسلامی عاملی در جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه مسکن کار بهداشت و... معرفی می‌گردد (بند ۱۲ اصل ۳).

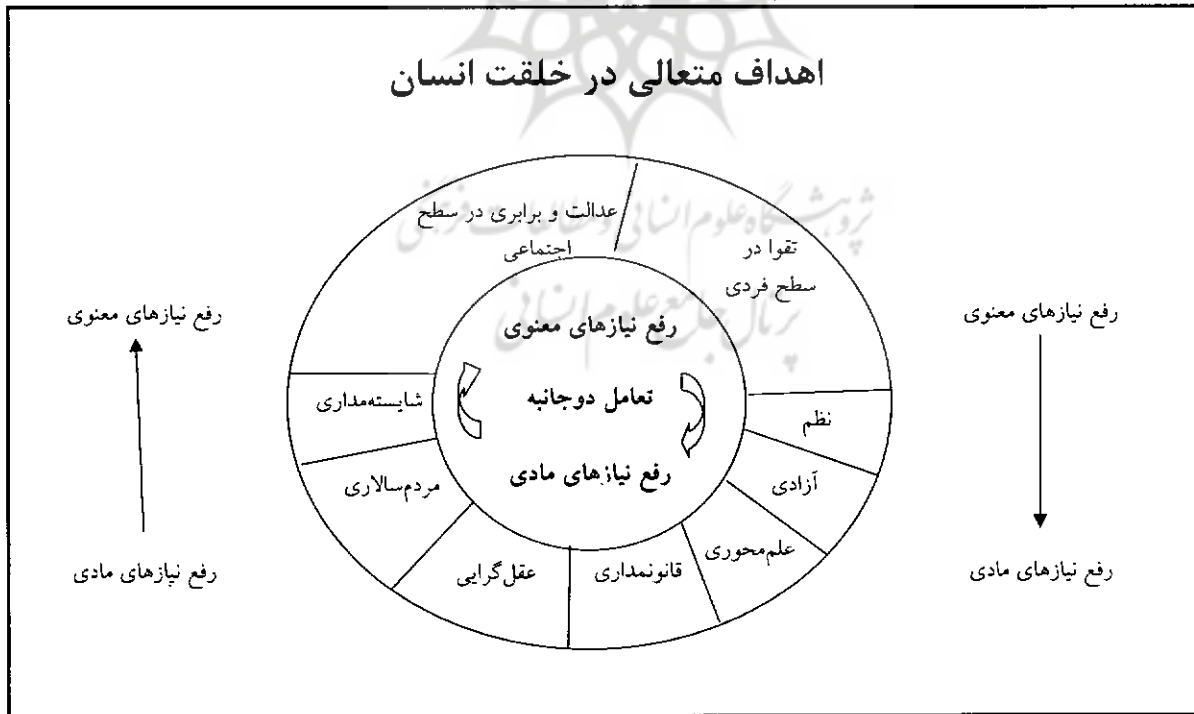
امام خمینی (ره) نیز در این رابطه می‌فرماید: «اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی سیاسی اقتصادی

طریق رفع نیازهای مادی و معنوی انسان و جامعه».

در رابطه با زمینه‌های فرهنگی توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام، توضیح این مطلب مهم است که در نگرش اسلامی بسترهای فرهنگی رشد و توسعه هنگامی می‌تواند گویای «توسعه نظام رفتاری» انسان و جامعه باشد که بتواند توضیح کافی برای حفظ تعادل و توازن معنوی و مادی، اخروی و دنیوی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی ارائه کند و در عمل زمینه‌های فرهنگی را معرفی کند که گویای جنبه‌های کیفی و کمی باشد. ده معیار فرهنگی اصلی توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام با ذکر ارجاعات معتبر اسلامی شناسایی شد که عبارت بودند از: تقوا، علم‌محوری، قانون‌مداری، رفع فقر از جامعه، عقل‌گرایی، آزادی، مردم‌مداری، شایسته‌مداری و تخصص‌گرایی، نظم و عدالت اجتماعی.

حال براین اساس، در طراحی الگوی اسلامی از پیشرفت و توسعه می‌توان از مواردی که به صورت کامل در شکل زیر آمده است، بهره گرفت:

همانطور که شکل مذکور بیان می‌دارد در اسلام یک تعامل دوجانبه بین رفع نیازهای معنوی و رفع نیازهای مادی جهت رسیدن به هدف توسعه (رسیدن به اهداف متعالی که



زمینه‌های فرهنگی پیشرفت و توسعه از دیدگاه اسلام

صاحب‌نظران دینی در حوزه و دانشگاه، که در این ارتباط به تحقیق و پژوهش مشغول می‌باشند.

منابع:

- قرآن کریم

- نهج‌البلاغه. مترجم سید جعفر شهیدی. (۱۳۷۸). تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- پژوهشکده امام خمینی (۱۳۷۳). کوثر (جلد دوم). تهران: نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- ثقفی کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۳۵۶). الغارات. مترجم شیخ محمدباقر کمره‌ای تهران: نشر فرهنگ اسلام.
- خاتمی، سید محمد. (۱۳۷۳). «دین در دنیای معاصر». ماهنامه فرهنگ توسعه (سال سوم، شماره ۱۵، آذرودی).
- خوانساری، جمال‌الدین. (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و دررالکرم. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رحیم‌پورازغدی، حسین. (۱۳۷۶). «عقلانیت اسلامی و عقلانیت غربی». مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه. تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- روشه، گی. (۱۳۶۶). تغییر اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشرنی.
- ساعی، احمد. (۱۳۷۷). مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم. تهران: نشر سمت.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۶). عقل و توسعه یافتگی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۵). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل. تهران: نشر سفیر.
- صادقی گرمارودی، احمد. (۱۳۷۶). «مفهوم توسعه در قرآن و سنت». مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه. تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- صحیفه نور.
- طباطبائی، سید محمدحسین. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: نشر محمدی.
- علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع). تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قزوینی، عبدالکریم بن محمد بن یحیی. (۱۳۷۱). بقاء و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین. به کوشش رسول جعفریان. قم: نشر کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). انسان و ایمان. قم: نشر صدرا.
- منشور فرهنگ توسعه، بازاندیشی در بینش، منش و کنش توسعه. (۱۳۸۲). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. اداره کل اطلاع رسانی و سنجش افکار.
- نبوی، سید عباس. (۱۳۷۶). «انسان مطلوب توسعه یافته از دیدگاه اسلام». مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه. تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۷۶). «پیام به اولین همایش اسلام و توسعه». مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه. تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.

و سایر شئون زندگی انسان وارد شود پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۹۰).

در آیات دیگری خداوند متعال ضمن بیان هماهنگی زمین و آسمان در تأمین خوراک زمینیان (ابراهیم ۳۲) (جاثیه ۵) به معرفی تأمین قانونمندی نیازهای انسان در نظام آفرینش به عنوان درسی از خداشناسی (بقره ۲۱-۲۲-۳۵) (انبیاء ۳۰-۳۳) (مؤمنون ۱۷-۲۲) (یس ۸۳-۷۱) (نحل ۵-۶۵-۱۷-۷۳) (غافر ۷۹-۸۱) (ملک ۱۵-۲۴) (نوح ۱۷-۲۰) (مرسلات ۲۵-۲۸) (نازعات ۲۷-۳۳) (رحمن ۱۰-۱۳) می‌پردازد و صریحاً در سوره نحل آیه ۸۰-۸۱ هدف آفرینش امکانات مادی را رسیدن به معنویات معرفی می‌نماید.

امام علی (ع) در همین رابطه، فقر مادی را باعث نقصان دین معرفی می‌نماید. (نهج‌البلاغه قصار ۳۱۹) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم برآورده شدن نیازهای انسان در جریان رشد را منوط بر ایجاد یک سری ضوابط می‌نماید و از آن جمله تأمین نیازهای مادی انسانها می‌باشد (اصل ۴۳).

امام خمینی (ره) نیز در مورد وسیله بودن نیازهای مادی می‌فرماید: «... اسلام هم آمده است این انسان را درستش کند و بسازد و همه بعده‌هایش را نه یک بعد فقط نه همان بعد روحانی تنها که غفلت کند از این جهات طبیعت و نه فقط بعد طبیعت که اکتفا به این کند از او، این وسیله است آن مقصد» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۲۵).

و در جایی دیگر می‌فرماید: «در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زر اندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت، آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی است» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۲۸).

در پایان شایان ذکر است که هدف من در این مقاله ارائه الگوی نهایی و کامل از فرهنگ پیشرفت و توسعه در اسلام نبوده است، بلکه مباحث مطروحه در این مقاله می‌تواند درآمدی باشد بر تدوین الگوی جامع و کامل از فرهنگ توسعه در اسلام توسط